

## سرنوشت عباس میرزا برادر ناصرالدین شاه

۱۳ خرداد ۱۴۰۱ ساعت ۱۷:۰۵

یکی از اصلی ترین شخصیت‌های سریال جیران عباس میرزا برادر ناصرالدین شاه است. او همواره مورد سوء ظن ناصرالدین شاه قرار داشت، چرا که شاه او را مدعی تاج و تخت می‌پنداشت. عباس مدت بیست و هفت سال را در تبعید در بغداد و استانبول به سر برد. در این گزارش مروری بر سرنوشت وی داشته ایم.

عباس میرزا مُلک‌آرا (متولد ۶ آذر ۱۲۱۸ - ۲۵ فروردین ۱۲۷۶) شاهزاده قاجار و برادر ناتنی ناصرالدین شاه است. پدرش محمدشاه او را به یاد پدر خود عباس میرزا، عباس نامید. عباس هم چنین نام مرشد و صدراعظم او، حاجی میرزا آقاسی نیز بود. مادرش خدیجه خانم چهریقی (کردستانی) خواهر یحیی خان چهریقی حکمران سلماس بود.

محمدشاه، عباس میرزا را بیش از سایر فرزندانش دوست می‌داشت و به او لقب «نایب‌السلطنه» بخشیده بود. عباس میرزا همواره مورد سوء ظن ناصرالدین شاه قرار داشت، چرا که شاه او را مدعی تاج و تخت می‌پنداشت. او مدت بیست و هفت سال را در تبعید در بغداد و استانبول به سر برد. در ۱۲۹۴ (قمری) با کسب اجازه از ناصرالدین شاه به ایران بازگشت. شاه به او لقب مُلک‌آرا داد و حکومت زنجان را به او سپرد. بعد از مدتی عباس میرزا از ترس به قفقاز گریخت و این بار با وساطت میرزا حسین مشیرالدوله در ۱۲۹۶ (قمری) به ایران بازگشت. پس از قتل ناصرالدین شاه، مظفرالدین شاه او را به دربار سزار روسیه فرستاد. در سال ۱۳۱۴ هـ. ق. به جای میرزا محسن خان مشیرالدوله به وزارت عدلیه منصوب گردید و سرانجام در حدود ۶۱ سالگی در هنگام اسب‌سواری به دلیل سکت قلبی در گذشت. عباس میرزا زیر نظر رضاقلی هدایت تربیت یافته بود و سواد ادبی خوبی داشت. او کتابی در شرح حال خود نوشته است.

از وقایع دوران نوجوانی عباس میرزا، همراهی او با شاه و امیرکبیر در سفر اصفهان در واپسین روزهای صدارت امیر بود. در این زمان ناصرالدین شاه رفته رفته توسط اطرافیان خود نسبت به امیر بدبین شده بود. حتی چنین شایع کرده بودند که امیر قصد برکناری ناصرالدین شاه و به تخت نشاندن عباس میرزا را دارد تا پس از آن به سبک نادرشاه که تهماسب دوم را کنار زد، خود جای او را بگیرد. عباس میرزا بعدها در خاطرات خود، به صراحت این موضوع را رد می‌کند و می‌گوید که میان او و امیر «هیچ خصومتی نبوده است».

در راه بازگشت، به قم که رسیدند شاه مقرر داشت که عباس میرزا و مادرش «یک چندی در قم باشند». عباس میرزا خود در

خاطراتش نوشته است: «اسماعیل جدیدالاسلام که از پیشخدمتان مقرب بود با دستخط همایون آمد، و مختصر مطلب این بود که چون در تهران مفسدین بسیارند، تو باید در قم بمانی، طهران آمدنت صلاح نیست. چون بجز اطاعت چاره‌ای نبود، ماندم.»

نکته مهم در این میان آن است که امیر با تصمیم شاه موافق نبود، اما شاه توجهی نکرد. این اولین بار بود که شاه نسبت به نظر امیر بی‌اعتنایی می‌کرد. از این رو مورخان، این اتفاق را اولین نشانه سقوط رابطه امیر و شاه میدانند. ده روز پس از مراجعت شاه و امیر به تهران، عباس میرزا به حکومت قم منسوب شد.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetariqh.com/news/48754/شاه-ناصرالدین-برادر-میرزا-عباس-سرنوشت>